

غیر فارسی انسان‌شناسی در چکیده‌های ایران‌شناسی (بخش ششم)

۳۸۷

در زمینه تحقیقات ایرانی بیشتر با نام بریان گود مواجه هستیم که تحقیقات خود را عمدتاً در منطقه مراغه آذربایجان انجام داده است و در امریکا نیز به جمعیت ایرانیان مقیم کالیفرنیا پرداخته است. او تاریخچه طب از قرن ۱۹ به بعد در مراغه را بررسی کرده و در تحقیقات خویش بیشتر به روان‌درمانی توجه داشته است. او لغاتی را که بیماران برای توصیف ناراحتی خود استفاده می‌کنند از نظر نمادین و معنایی تحلیل می‌کند و همین لغت را در بیماران مقیم امریکا جستجو کرده به اثر انقلاب بر لغات استفاده‌شده برای ابراز تجربیات احساسی می‌پردازد. گل‌انبار (۲۰۹) به روش‌های سنتی روان‌درمانی در کردستان می‌پردازد و آن‌را با روان‌درمانی غربی مقایسه می‌کند و جایگاه این مداوا را در جامعه می‌یابد. نوشته جوزانی (۲۱۰) که خلاصه پایان‌نامه دکتر اوست مربوط به نگهداری از بدن در شرایط معمولی زندگی روزمره است. صفا (۲۱۱) به کتاب اهل هوا غلامحسین ساعدی پرداخته است.

موسیقی‌شناسی اقوام

212. Burckhardt-Qureshi, R. «Islamic Music in an Indian Environment: The Shi'a Majlis», *Ethnomusicology* vol. XXV-1, (1981), pp. 41–71.

«موسیقی اسلامی در محیط هندی»

213. During, J., *La Musique Iranienne. Tradition et Evolution*. Paris, Ed.

Recherches sur les Civilisations, 1984, 235 p. (Bibliothèque Iranienne, 29).

«موسیقی ایرانی: سنت و تحول»

214. During, J. *Musique et mystique en Iran*, thèse de doctorat d'Etat.

Strasbourg, 1985, 800 p. dactylographiées. «موسیقی و عرفان در ایران»

215. During, J. IRAN V et VI. *Musique d'extase et de guérison du*

Baloutchistan. Anthologie de la Musique traditionnelle Iranienne. Paris,

OCORA, 1981. N° 558565-6. «موسیقی و خلسه و مداوا در بلوچستان»

216. During, J., «La Musique Traditionnelle Iranienne en 1983», *Asian*

Music, XV, 2 (1984), p. 10-31. «موسیقی سنتی ایرانی در سال ۱۹۸۳»

217. During, J. «Le rituel du Samâ» in: *La Musique et le Rite*, Actes du

Congrès International de Musicologie, vol. 1. Strasbourg, 1986, pp.

475-479. «موسیقی و آداب»

218. Modir, Hafez. «Research models in ethnomusicology applied to the

radif phenomenon in Iranian classical music». *Pacific Review of*

Ethnomusicology UCLA, 3 (1986), pp. 63-77.

«الگوهای پژوهشی در موسیقی‌شناسی اقوام و کاربرد آن برای درک پدیدهٔ ردیف در موسیقی

سنتی ایرانی»

219. [Tatsumura, A. «Music and Culture of the Kurds». *Senri Ethnological*

Studies (Osaka), 5, (1980), pp. 75-93, 2 fig. bibliogr.] «موسیقی و فرهنگ اکراد»

220. Turner, R. «A note on the secret language of the traditional musicians

of Iran». *Journal of the Gypsy Lore Society*, 4th Series, vol. I, N° 4, 1977

(paru 1979), pp. 283-286. «نکته‌ای در مورد زبان رمزی نوازندگان سنتی ایران»

موسیقی‌شناسی اقوام یعنی پرداختن به موسیقی در چارچوب جامعه‌ای که آنرا تجربه

می‌کند و یا جستجوی جایگاه موسیقی در میان مردمی که آنرا می‌نوازند و یا به آن گوش

می‌دهند. بورکهاردت (۲۱۲) به روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی شیعیان پاکستان می‌پردازد. دورینگ

در تألیفات متعدد خویش موسیقی ایرانی را در خارج از کشور معرفی کرده است (۲۱۷-۲۱۳).

۲۱۳ تاریخچه موسیقی ایران است که وفق به زمان و محیط موسیقایی، نحوهٔ تدریس، انواع

دستگاهها، ابزار موسیقی و جایگاه نمادین موسیقی را در ایران شرح می‌دهد. اما تز اصلی

دورینگ (۲۱۴) ارتباط میان عرفان و موسیقی است که او در موسیقی اهل حق و قادرهای

کردستان، و موسیقی که در بلوچستان برای مداوا استفاده می‌کنند (۲۱۵) و آنچه او از متون

کلاسیک ادبی استخراج کرده است نشان می‌دهد. او به اثرات مدرنیزم بر موسیقی در زمان کنونی

نیز پرداخته است (۲۱۶). مدیر (۲۱۸) جایگاه «ردیف» را در موسیقی سنتی ایران همچون یک

پدیده، مفهوم، وسیله ارتباط با ابعادی نمادین عنوان کرده است.

انسان‌شناسی عشایر

تحقیقات عشایری مهمترین بخش از تحقیقات انسان‌شناسی ایران را تشکیل می‌دهد. از یک‌سو، برای غریبها عشایر کوچ‌رو در خاورمیانه همچون «بدویان» در افریقا و امریکا هستند. از سوی دیگر، اسکان عشایر یک هدف برنامه‌ریزان در منطقه بوده، بدین جهت شناخت بافت سیاسی - نظامی و سپس اقتصادی - اجتماعی عشایر مد نظر بوده است. نتیجتاً تحقیقات عشایری اولین تحقیقات انسان‌شناسی در ایران بود و در دانشگاههای غربی دانشجویان منطقه خاورمیانه به تحقیق در میان عشایر تشویق شده‌اند. نتیجه، منابعی است که در پیش رو دارید: ابتداء منابع عمومی و تاریخ را می‌آوریم، پس از آن در جهت حرکت ساعت‌گرد ایران به عشایر می‌پردازیم.

221. Ahmed, A. S. & Hart, D. M. (eds.), *Islam in tribal societies, from the Atlas to the Indus*, London, Routledge and Kegan Paul, 1984, 343 p., index.

«اسلام در جامعه اسلامی، از اقیانوس اطلس تا هندوستان»

222. Digard, J.-P. (ed.), «Dossier: le pastoralisme turco-iranien», *Production Pastoral et Société*, N° 11 (automne 1982), 131 p.

«پرونده عشایر ایران و ترک»

223. Ehlers, E. et Stöber, G. «Entwicklungstendenzen des Nomadismus in Iran», in Scholz, J. *Nomadismus, ein Entwicklungsproblem?* Berlin, 1982, pp. 195-

«مسئله توسعه در میان عشایر ایران»

224. Ganzer, B. «Soziale Ungleichheit in Nomadengesellschaften. Lohnhirten in Iran». *Anthropos* 82 (1987), pp. 87-108.

[Social inequality in nomadic societies. Hired shepherds in Iran].

«نابرابری اجتماعی در جامعه عشایری. چوپانان روزمزد در ایران»

225. *Séminaire sur le nomadisme en Asie centrale (Afghanistan, Iran, URSS) pour enseignants de Suisse romande, Territet s/Montreux, Hôtel Mont-Fleuri, 7-9 Octobre 1976. Rapport final*. Berne, Commission Nationale Suisse pour l'UNESCO, 1977, 105 p., biblio., ill., carte.

«سمینار کوچ‌روی در آسیای میانه»

226. Towfiq, Firuz. «Ašāyer». *Encyclopaedia Iranica*, ed. E. Yarshater, London, Routledge & Kegan Paul, vol. 2, fasc. 7 (1987), pp. 707-724.

[Tribus]

«عشایر»

227. Weissleder, W. (ed.). *The nomadic alternative, modes and models of interaction in the African-Asian deserts and steppes*. The Hague-Paris, Mouton (World Anthropology), 1978, XVIII + 425 p., 4 pl. phot. h.-t.

«کوچ‌روی متناوب، نحوه و الگوی فعل و انفعالات در منطقه بیابانی - جلگه‌ای آسیا و آفریقا» کتاب احمد (۲۲۱) فقط دو مقاله در مورد ایران دارد. مجموعه مقالات (۲۲۲) در مورد عشایر کوچ‌رو ایران و ترک است و به موضوع سرزمین می‌پردازد. نویسندگان آلمانی (۲۲۳) به زندگی کوچ‌روی و توسعه، اثرات اصلاحات ارضی و گرایش به شهرنشینی در میان آنان می‌پردازند. گانز (۲۲۴) به نظریه مهم برابری یا نابرابری سیاسی - اجتماعی در میان کوچ‌رو می‌پردازد و ادعا می‌کند دلایل درونی وجود نابرابری در ارتباط چوپان - دامدار در میان کوچ‌روان ایران است. ۲۲۵ نتیجه سمینار عشایر کوچ‌رو در ایران، افغانستان و آسیای میانه است که در سال ۱۹۷۶ در سویس برگزار شد. مقاله «عشایر» دائرةالمعارف ایرانیکا (۲۲۷) با تقسیم‌بندی تعاریف، تاریخ، جمعیت‌شناسی، پراکندگی جغرافیایی، بافت اجتماعی، اقتصاد عشایری و منابع و مأخذ می‌باشد. مجموعه مقالات (۲۲۶) تعدادی مقاله در مورد ایران (بلوچستان و بختیاری) و عشایر کوچ‌رو آسیای میانه دارد.

تاریخ عشایر

228. Briant, P. *Sociétés pastorales du Zagros achéménide (VI^e-IV^e s. av. n. è. environ)*. in: *Études sur les sociétés de pasteurs nomades*. 4. Paris, Centre d'Études et de Recherches Marxistes, 1977 (Cahiers du Centre d'Études et de Recherches Marxistes, 133), pp. 1-9.

«جوامع شبانکار زاگرس در زمان هخامنشی»

229. Fazel, G. R., «Tribes and State in Iran: from Pahlavi to Islamic Republic» in: H. Afshar ed., *Iran. A revolution in turmoil*, London, MacMillan, 1985, p. 80-98.

«عشایر و دولت در ایران از زمان پهلوی تا جمهوری اسلامی»

230. Garthwaite, G. R. *The Bakhtiyārī Ilkhānī: An illusion of unity*. *International Journal of Middle East Studies*, 8, 2, 1977, pp. 145-160.

«ایلخانان بختیاری: پنداری وحدت»

231. [Hesse, B. «Slaughter patterns and domestication: the beginning of pastoralism», *Man*, 17, 3 (1980), pp. 403-17.]

«نظم کشتار و اهلی کردن: شروع شبانکارگی»

232. Helfgott, L. M. *Tribalism as a socioeconomic formation in Iranian*

history. *Iranian Studies*, 10, 1-2, 1977, pp. 36-61.

زندگی عشایری به عنوان یک ساخت معیشتی در تاریخ ایران»

233. [Lemerrier-Quellejeay, Ch., «From tribe to Umma», *CAS* 3, 3 (1984), pp. 15-26.] «از عشیره به امت»

این قسمت نسبتاً ضعیف است و علت آن عدم آشنایی انسان‌شناسان به زبان و تاریخ ایران است (فراموش نکنیم که در ابتداء متذکر شدیم انسان‌شناسان به عشایر کوچ‌رو همچون «بدویان» می‌پرداختند و آمادگی جستجوی رد پای عشایر در کتب تاریخی فارسی را نداشتند. اینجا همکاری محققین ایرانی می‌تواند ذی‌قیمت باشد.

اولین مقاله این مجموعه به عشایر کوچ‌رو دوره هخامنشی می‌پردازد (همین نویسنده کتابی در سال ۱۹۸۲ به نام *Etat et Pasteurs au Moyen-Orient Ancien* E.M.S.H., Paris چاپ کرد.)

فاضل (۲۲۹) عشایر را در تاریخ کنونی زمان پهلوی و جمهوری اسلامی بررسی می‌کند. گارت ویث (۲۳۰) متخصص تاریخ بختیاری است و در این مقاله به چندگانگی در میان خوانین می‌پردازد. عنوان مقاله هلفگات (۲۳۲) بسیار دربرگیرنده‌تر از محتوای آن است. کتاب مهم زیر در فهرست معرفی نشده است:

Reid, James. j *Tribalism and Society in Islamic Iran 1500-1629*, Udena Pbls. 1983

او به بافت اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچ‌رو که تشکیل سلسله حکومتگر در ایران را دادند می‌پردازد.

عشایر ترکمن

234. Andrews, P. A. «The Türkmen Tent». *Turkmen: Tribal Carpets and Traditions*, L. W. Mackie & J. Thompson ed., Washington, The Textile Museum, 1980, pp. 40-59. «چادر ترکمن»

235. Andrews, P. A. «The Türkmen Tent». *Hali*, 4, 2 (1981), pp. 108-116. «چادر ترکمن»

236. Basilov, V. N., «Honour groups in traditional Turkmenian society», in: A. S. Ahmed et D. M. Hart, eds. *Islam in tribal societies, from the Atlas to the Indus*, London, Routledge and Kegan Paul, 1984, pp. 220-243.

«گروه‌های افتخاری در جامعه ترکمن سنتی»

237. Purfickui, Ali. «L'habitat pastoral au Gilan, Iran septentrional», *Luqman* II, 1 (1985-1986), pp. 51-60, photos. «مسکن عشایری در گیلان»

238. Rostkowski, J. & Ciprut, M. *Les Turkmens «hommes du vent» ou l'Iran des steppes*. Paris, Librairie d'Amérique et d'Orient J. Maisonneuve (Civilisations d'Hier et d'Aujourd'hui), 1979, 93 p., phot.

«ترکمن‌ها، «مردان باد» و ایران جلگه‌ای»

239. Vercellin, G. «La minoranza turkmena d'Iran secondo una recente pubblicazione locale». *OM*, LX (1980), pp. 357–371.

«اقلیت ترکمن ایران بر مبنای یک منبع محلی»

240. Rašidov, R. T. *Ajmak*. Akademija Nauk Uzbekskoj SSR, Institut Vostokovedenija. Tachkent, 1977, 64 p.

«آیماق‌ها»

آندروز (۲۳۴، ۲۳۵) به مسکن در میان یوموت‌ها و گورکلان‌ها می‌پردازد. مسکن عشایر گیلان (۲۳۷) را نیز در اینجا آوردیم. باسیلو (۲۳۶) به مفهوم «احترام» در میان گروه اجتماعی خاصی در میان ترکمن‌ها می‌پردازد. کتاب ترکمن‌ها (۲۳۸) مصور و برای عموم است. مقاله ورسلمین (۲۳۹) ظاهراً چکیده‌ای است از کتاب فارسی زندگی و مبارزه خلق ترکمن. رشیدف از اوزبکستان (۲۴۰) در مورد آیماق‌ها بین ایران، افغانستان و اوزبکستان می‌نویسد.

عشایر بلوچ

۳۹۲

241. [Ahmed, Akbar S. «Faith and Fire in Baluchistan: Trial by Ordeal among the Bugtis». *Newsletter of Baluchistan Studies* 5 (1988), pp. 3–26.]

«ایمان و آتش در بلوچستان: محاکمه و آزمایش در میان بوگتی‌ها»

242. [Collett, Nigel A. «Baluch service in the forces of Oman. A reflection of Makrani society and an impetus of change». *Newsletter of Baluchistan Studies* 2 (1985), pp. 8–15.]

«خدمت بلوچ‌ها در نیروی نظامی عمان»

243. [Elfenbein, Josef. «A Periplus of the 'Brahui Problem'». *St. Ir.* 16, 2 (1987), pp. 215–233.]

«دزّه‌ای از مسائل براهویی‌ها»

244. Elfenbein, J., «Mythologie der Balutschen», in H. W. haussig ed. *Wörterbuch der Mythologie*, I. Abteilung: Die alten Kulturvölker, Vol. IV, pp. 489–507.

«اسطوره‌های بلوچستان»

245. [Ferraro, Felicetta. «Baluchi Kinship Terminology». *Newsletter of Baluchistan Studies* 5 (1988), pp. 33–62.]

«اصطلاحات خویشاوندی بلوچی»

246. Salzman, P. C. «The proto-state in Iranian Baluchistan», in R. Cohen & E. R. Service (eds.), *Origins of the state. The anthropology of political evolution*. Philadelphia, Institute for the Study of Human Issues, 1978, pp.

247. Salzman, P. C. «Processes of sedentarization among the nomads of Baluchistan». In: P. C. Salzman (ed.) *When nomads settle. Processes of sedentarization as adaptation and response*. Brooklyn, J. F. Bergin, 1980, pp. 95-110.

«جریان اسکان در میان عشایر بلوچستان»

248. Salzman, Ph. C. «Dates to Meet, Dates to Eat: Oasis Life in Tribal Baluchistan». *Newsletter of Baluchistan Studies* 3 (1986), pp. 48-62.

«زمان ملاقات، خرما برای مصرف: زندگی صحرائی عشایر بلوچستان»

249. [Spoooner, B., «Who are the Baluch? A preliminary inverstigation into the dynamics of an ethnic identity from Qajar Iran» in *Qajar Iran*, C. E. Bosworth & C. Hillenbrand eds., Edinburgh Univ. Press, 1983, pp.

92-112.] «بلوچها کیستند؟ جستجوی ابتدایی در پویایی هویت قومی بلوچها در زمان قاجار»

250. [Wegner, D. H. G. «Der Knüpftteppich bei den Belutschen und ihren Nachbarn». *Tribus*, 29 (1980), pp. 57-105.]

در مجله *Newsletter of Baluchistan Studies* (۲۴۸، ۲۴۵، ۲۴۲، ۲۴۱) مقالات

قابل ملاحظه‌ای در مورد بلوچستان ایران موجود است و سالزمن نیز در آن مطالبی دارد. اسطوره‌های بلوچستان (۲۴۴) با ارجاعات تاریخی تحلیل شده‌اند. سالزمن (۲۴۶) به بلوچستان قبل از شکل‌گیری دولت در آن می‌پردازد. او (۲۴۸) به بافت اجتماعی و امکان تحرک در محدوده اجتماعی - جغرافیایی توجه دارد. بافت سیاسی جوامع بلوچ را در مقاله ۲۴۶ بررسی می‌کند. در نوشته‌های دیگر ۲۴۷ او به اسکان عشایر بلوچ می‌پردازد. نوشته سپونر (۲۴۹) جستجویی است در هویت بلوچ از زمان قاجاریه به بعد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

عشایر استان کرمان

251. Bradburg, D. A. «Never give a shepherd an even break: Class and labour among the Komachi», *American Ethnologist*, 7, 4, (1980), pp.

603-619.

«با چوپان برابری روا نیست: طبقه و کار در میان کماچی‌ها»

252. Bradburg, D. A., «Ritual and Southwest Asian pastoralists: implications of the Komachi case», *Journal of Anthropological Research* (anc. *Southwestern Journal of Anthropology*, Albuquerque), 40, 3 (1984),

pp. 380-393.

«رسوم و شبانکاران جنوب‌غربی آسیا پیامدهای آن در میان کماچی‌ها»

253. Bradburd, D., «The rules and the game: the practice of marriage among the Komachi». *American Ethnologist*, 11, 4 (1984), pp. 738-753.

254. Bradburg, D. A. «Size and success: Komachi adaptation to a changing Iran», in: M. E. Bonine et N. Keddie, eds. *Modern Iran: The dialectics of continuity and change*, Albany, State University of New York Press, 1981, p. 123–137 + 407–410 (notes).

«اندازه و موفقیت: وفق کماچی‌ها به ایران در حال تغییر»

255. Bradburg, D. A. «Volatility of animal wealth among Southwest Asian pastoralists: A clarification of some myths and models». *Human Ecology*, 10, 1, (1982), p. 85–106.

«اشتغال ثروت حیوانی در میان شبانکاران جنوب غربی آسیا: الگوها، پندارها»

256. Stöber, G. *Die Afshār–Nomadismus im Raum Kermān (Zentralirān)*. Marburg/Lahn, Selbstverlag des Geographischen Institutes der Universität Marburg (Marburger Geographische Schriften, Heft 76), 1978, 322 p., bibl., glossaire, ill., cartes.

«افشارها، کوچ‌روی در کرمان»

257. Stöber, G. *Die Sayād–Fischer in Sistān*. Marburg, Geographisches Institut der Universität, 1981, IX, 132 p. (Marburger geographische Schriften; 85).

«صیادان سیستان»

258. Stöber, G. «Zur sozio-ökonomischen Differenzierung der Afšār kermāns». in: G. Schweizer, ed. *Interdisziplinäre Iran-Forschung. Beiträge aus Kulturgeographie, Ethnologie, Soziologie und Neuerer Geschichte*, Wiesbaden, Dr. Ludwig Reichert (Beihefte zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients, Reihe B, N° 40), 1979, pp. 101–112.

«مغایرت‌های اجتماعی – اقتصادی در میان افشارهای کرمان»

259. Pourzal, R. «The other nomads of South Persia: The Baraftowi Koochaki of Jahrom», *Nomadic Peoples*, N° 8, (Mai 1981), p. 24–26.

«کوچ‌روان دیگر در جنوب ایران: برافتویی کوهکی جهرم»

انتخاب کوماچی‌ها با جمعیتی فقط بالغ بر ۵۰۰ نفر، این امکان را به بردبرگ داده که در مورد گروهی کار کند که آنقدر کوچک است که از تغییرات دو دهه قبل از زمان تحقیق (۱۹۷۰ – ۱۹۵۰) که بر عشایر کوچ‌رو بزرگ ایران اثر داشته برحذر بماند (۲۵۴). مقاله ۲۵۱ رابطه آریاب – چوپان را مطرح می‌کند و در ۲۵۵ به قابل انعطاف بودن تعداد دام در گله می‌پردازد. ساخت اجتماعی بر مبنای همسرگزینی را بردبرگ در (۲۵۳) بحث می‌کند و در مقاله ۲۵۲ به مراسم همچون انعکاسی از بافت اجتماعی کوماچی‌ها می‌پردازد.